



عضو کمیسیون فرهنگی از احتمال سلب تابعیت ایرانیان حامی جنگ خبر داد؛
فروپاشی مرزهای قانون اساسی با مجازات‌های جدید

سیاست ۲

توسعه ایران

در دیدار عارف با وزیر ارتباطات مطرح شد؛
مخالفت دولت با اینترنت طبقاتی و هرگونه تفکیک دسترسی

سیاست ۲



«آتش بس» یا «وقفه‌ای ناپایدار» در دل جنگی که تمام نشده است؟

تعليق میان آتش و مذاکره

تهران این روزها در سکوئی نفس می کشد که بیش از آن که نشانه آرامش باشد، یادآور فاصله‌های کوتاه میان دو صداست؛ فاصله‌ای میان آنچه بوده و آنچه ممکن است دوباره باز گردد. از بامداد اعلام «آتش بس نامحدود» ترامپ تاکنون، به نظر می رسد که واقعت صحنه بیش از آن که دگرگون شده باشد، تغییر شکل داده است. اکنون نه جنگ به پایان رسیده و نه صلحی آغاز شده و آن چه شکل گرفته، وضعیتی معلق است؛ وضعیتی که میان توقف و تداوم، میان امید و تردید قرار گرفته است. واژه «نامحدود» در این میان، بیش از آن که اطمینان بخش باشد، به منبغی از ابهام بدل شده است. آتش بسی که زمان ندارد، الزام هم ندارد و نه چار چوب مشخصی برای دوام آن تعریف شده و نه حتی از نسوی همه طرف‌ها به رسمیت شناخته شده است. به همین دلیل، آن چه اکنون برقرار است، بیشتر به یک تعلیق شباهت دارد تا یک توافق. تعلیقی که هر لحظه می تواند به مسیر دیگری منحرف شود؛ به سمت مذاکره‌ای جدی‌تر یا به سوی بازگشت دوباره تنش. در نگاه ناظران، این آتش بس نه نقطه پایان، بلکه وقفه‌ای در دل یک تقابل

ساختاری است. تقابلی که محدود به میدان جنگ نیست و از سطح نظامی تا عرصه دیپلماسی، اقتصاد و حتی امنیت انرژی امتداد پیدا کرده است. آن چه متوقف شده، صرفاً شدت برخورد و نه ماهیت آن است. برای بسیاری از بازیگران بین‌المللی، این وقفه فرصتی برای مهار بحرانی است که می توانست ابعاد گسترده‌تری پیدا کند. بازارهای انرژی، مسیرهای حیاتی کشتیرانی و امنیت منطقه‌ای، همگی در آستانه بی ثباتی قرار گرفته بودند و آتش بس، ولو شکننده، به عنوان ترمزی موقت عمل کرد. اما همین ترمز، تضمینی برای توقف کامل نیست. اما این پرسش همچنان باقی است که آیا این وقفه می تواند به صلحی پایدار منتهی شود یا صرفاً تأخیری در بازگشت بحران است؟ درک وضعیت فعلی بدون توجه به پیوند میان میدان و دیپلماسی ممکن نیست. آنچه در مذاکرات اسلام آباد در قالب گفت‌وگوهای دیپلماتیک جریان دارد، همزمان در تنگه هر مز به شکلی دیگر ادامه پیدا می کند. هر مانور نظامی، هر هشدار و هر اقدام میدانی، بخشی از همان گفت‌وگویی است که در اتاق‌های بسته دنبال می شود...

سیاست ۲

یژ وهشگر اقتصاد سیاسی در گفت‌وگو با «توسعه ایرانی»
و با انتقاد از طرح مجلس برای کنترل تنگه:

نمایندگان استراتژی تنگه هرمز را به دریافت عوارض تقلیل داده‌اند

چتر تکه ۳



سکوت سنگین شهرک‌های صنعتی قلعه حسن خان؛ از بمباران تا تعطیلی کارگاه‌ها

اینجا دیگر بوی کار و زندگی نمی آید

دستر تچ ۴

گفت و گو

عضو کمیسیون امور داخلی و شوراهای مجلس:

حضور رسانه‌ای نیاز نداریم، نفس مسیحایی رهبری کافی است

خسارت‌هایی که این جنگ بر ما تحمیل کرد باید به ما پس بدهند. «افزود: «از سوی دیگر حضرت آقا در پیام نوروز فرمودند ما به آنها ضربه می زنیم و انتقام خون شهدا را بر اساس دستور العمل و ضوابط و فرمایشات معظم‌له از دشمن خونخوار حتماً می گیریم.»

باید ریشه استکبار را بزنیم

بیات با اشاره به کمیته‌ای که برای ترور ترامپ با نام «عهد خون» تشکیل شده، به بدیهه بان ایران گفت: «در حوزه معاد دو موضوع وجود دارد؛ معاد در پرتو عدل الهی، معاد در پرتو حکمت الهی. در عدل الهی همان «ولکم فی القصاص حیات» است. یعنی در قصاص، حیات دیگران تضمین می شود. یعنی ما باید قصاص را به جا بیاوریم، هم شوهه‌های دیگر را اعمال کنیم. سیاست خبیثانه آمریکا که در موضع ایران اسلامی تغییر نمی کند و باید شخصیت ترامپ و نتانیاهو که دستشان به خون بی نهایت آدم‌بی گناه آلوده است، با کشتن تک‌نفرشان که کار تمام نمی شود اما باید این کار را در راستای معاد در پرتو عدل الهی انجام شود در حوزه معاد در پرتو حکمت الهی باید ریشه این استعمار و استکباری که دنبال قدرت طلبی و منافع شخصی است را با تیشه بزنیم.»

او افزود: «این اراده ملت مبنی بر خون خواهی شهیدان باید نهادینه شود، تا زمانی که دست از شیطنت‌ها و فریبکاری‌هایشان بردارند. البته این جزو ذات لاینفک آمریکا و اسرائیل اتفاق نخواهد افتاد و ما باید مقتدرانه در راستای شعار همیشگی خود حرکت کنیم. شعار همیشگی ما که با کشتن انقلاب کردیم و حضرت امام (بنیانگذار انقلاب اسلامی) روی آن تأکید داشتند: «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» است. یعنی مادامی که با وحدت و انسجام و همدلی این شعار در راستای نهادینه کردن این شعار در ابعاد مختلف قدم برداریم، مطمئناً تنها این سر دمدار فعلی، بلکه سرمداران آنها آتی هیچ غلطی نمی توانند انجام بدهند. باید این شعار را حفظ کنیم و اصلاً وابسته به بیگانه‌نیاشیم و تلاش کنیم که در همین مسیر و راستای شعار همیشگی خود در همه ابعاد، نه تک‌بعدی پیش برویم.»



اعضای تیم مذاکره کننده اختیار نام دارند

افزود: «به همین دلیل است که قافیه برای آنها به تنگ آمد و در این شرایط است که به قول قدیمی ها قافیه که به تنگ آید، شاعر به جفنگ آید. این مردک قمار باز جفنگیات به زبان جاری و ساری می کند. تیم مذاکره کننده، چون با اختیار تام در این مذاکرات شرکت کرده‌اند، هیچ‌گاه از مواضع اقتدار و هجوم ایران لحظه‌ای فروگذار نکرده‌اند و بر همان مواضع و شروطی که گذاشته‌اند، سفت و سخت ایستاده‌اند. حضور مردم، خون خواهی شهدای بی گناه (که در این حمله و تجاوز شهید شدند) و... برای این است که ما باج به کسی ندهیم. اگر قرار بود باج بدهیم، ضرورتی نداشت که اصلاً جنگی آغاز شود. آنها دوبار جسارت کرده و حین مذاکره از زمین زدن و آلا می‌مانند که در افری بی‌پیش نمی دانیم؛ چرا که دشمنی آمریکا جنایتکار و اسرائیل با ایران دشمنی مبنایی است، نه دشمنی احساسی. آن‌ها با اسلام ما مخالف هستند. شخصیتی مثل ترامپ دنبال منافع خود است؛ همان طور که در ونزوئلا و سوریه شاهد آن بودیم. شخصیتی مثل نتانیاهو غاصب نیز به دنبال کشور گشایی از نیل تا فرات است. ولی زهی خیال باطل؛ این آرزو را مگر به گور می برند. تمام ملت ایران (حتی ما مسئولان در مقابل مردم هیچ هستیم) تا آخرین قطره خون با این نظام، انقلاب، خون شهدا، امام شهیدمان، سرداران رشید و شهیدان بی گناهان جنگ هستیم.»

اخذ خسارت جنگ از طریق تنگه هرمز

این عضو کمیسیون امور داخلی کشور و شوراهای مجلس تأکید کرد: «با استراتژیک رهبر معظم انقلاب، تنگه هرمز محل استراتژیک ما است. تنگه را فقط به آن رهبری عظیم‌الشان باز و بسته می کنیم. قدرت نظامی و تبعیت از رهبری است که باز و بسته بودن تنگه هرمز را تعیین می کند. این هیاهوهای بلتفرم‌های اجتماعی و فضای مجازی نمی تواند ما را در منگنه قرار دهد. دروغ‌های بی دریی ترامپ قمار باز و نتانیاهو هم بر ما تأثیر ندارد. ما همان موضع قوی و قدرتمند خود می‌مانیم و از طریق تنگه هرمز، همه

گفت و گو

زبیا کلام خطاب به مخالفان آتش بس:

آیندگان نمی پذیرند سرنوشت کشور را به رفتار ترامپ گره بزنیم

انقلابیون، براندازان و اسرائیلی‌ها، همگی خواهان ادامه جنگ و مخالف آتش بس هستند، واقعا حکایتی است از اینکه مابه کج‌ار سیده‌ایم و به کج‌ادر حال حرکت هستیم»

اومی‌افزاید: «ما واقعیت این است که جنگ، با همه مصیبت‌هایی که تاکنون به بار آورده، اگر دوباره از سر گرفته شود، آتش بس تمدید نشود و مذاکرات به نتیجه نرسد، آینده کشور از نظر اقتصادی، توسعه و پیشرفت با چشم‌انداز نامطلوبی روبه‌رو خواهد شد. بنابراین، امیدوارم کسانی که شعارهای انقلابی می‌دهند، به خیابان می‌آیند و خواهان ادامه جنگ هستند، به این بیاندیشند که آیا به آینده مملکت فکرمی‌کنند یا نه؟»

ترامپ مواضع اصولی ندارد؛ جنگ برای آینده هر کشوری سم است
زبیا کلام می‌گوید: «ما در مورد دونالد ترامپ، ایشان تنها در مسائل مربوط به ایران، بلکه در بسیاری از موضوعات دیگر از جمله مسائل آمریکا، گرینلند، نوار غزه و اوکراین و سایر موارد نیز شناخته شده است که مواضع مشخص و اصولی ندارد و به راحتی حرف‌هایش را تغییر می‌دهد.»

اومی‌افزاید: «با دقت در تغییر تعریف‌ها از زمانی که ترامپ رئیس‌جمهور شده، به نظر می‌رسد تعریفه برای او ابزاری سیاسی بوده که با بالا و پایین بردن و ایجاد معافیت‌مسائل را پیچیده‌تر کرده است. این مورد نمونه‌ای برجسته از تناقض‌گویی و رفتار متناقض اوست. اما بحث این است که ما نباید مملکت، آینده و سرنوشت آن را به تناقض‌گویی ترامپ و اسرائیلی‌ها گره بزنیم. در واقع، نباید خواهان ادامه این جنگ باشیم، چرا که برای آینده کشور سم است.»

او در پاسخ به سسوالی درباره تغییر ذهنیت مردم نسبت به روابط بین‌الملل می‌گوید: «هائمی توانیم آینده ایران را به این وابسته کنیم که ترامپ چه می‌گوید و چه می‌خواهد. ما باید پخته و با صبر رفتار کنیم. آینسدگان از ما نخواهند پذیرفت که بگوئیم ترامپ فردی باری به جهت بود با عقل درستی نداشت یا تناقض‌گوییده‌ان‌ها خواهند پرسید چرا

به فکر آینده مملکت نبودید؟ نباید گفت‌شود که اگر ترامپ چنین رفتار می‌کند، ما هم باید مقابله به مثل کرده و جنگ را ادامه دهیم.»



ترامپ تاجر است نه سیاستمدار

این استاد بازنشسته دانشگاه درباره ذهنیت تجاری ترامپ می‌گوید: «در هر صورت، واقعیت این است که ترامپ بیش از آنکه یک سیاستمدار باشد، یک تاجر است. همه ما می‌دانیم که او از طریق ساختارهای سیاسی آمریکا بالا آمده، بلکه از مسیر ساختار تجاری رشد کرده و آنچه دارد، حاصل موفقیت او در کسب و کار و تجارت است. این نکاتی است که مسئولین ایران باید به آن توجه داشته باشند و سرنوشت مملکت را به رفتار او گره نزنند.»

اومی‌افزاید: «محبوبیت ترامپ در آمریکا به پایین‌ترین میزان سقوط کرده است. درست است که او همچنان به عنوان یک پوپولیس‌ت، مانند سایر پوپولیس‌ت‌ها، علی‌رغم سوءمدیریت سیاسی‌اش طرفدارانی دارد، اما ما باید هوشیار باشیم و دقت کنیم که آینده مملکت را در دست ترامپ قرار ندهیم.»

مذاکره و ابا عاقلان پیش‌برند

او در خصوص رفتار دو قطبی ترامپ می‌گوید: «بنا بر واقعیت‌ها، باید توسط روان‌شناسان بررسی شود، اما آنچه من می‌توانم بگویم این است که به هر حال در دولت ترامپ افرادی حضور دارند که علاقه‌تر رفتار می‌کنند؛ هدف‌مانیز باید مذاکره با آن‌ها باشد و نه لزوماً توجه به همه اظهارات ترامپ.»

صادق زبیا کلام در مورد تناقض‌گویی‌های ترامپ معتقد است نباید آینده و تصمیم‌های کلان کشور را به این نوع رفتارهای سیاسی گره زد. واقعیت این است که ترامپ بیش از آنکه یک سیاستمدار باشد، یک تاجر است. غرور ترامپ مانع از آن می‌شود که بپذیرد در مورد مرده منیاب مرتکب اشتباهی فاجعه‌آمیز شده‌اند.

رسانه‌های شدن مواضع دونالد ترامپ در هفته‌های اخیر با حجم بالا، در نگاه نخست نشانه‌ای از کشتگری در عرصه سیاست به نظر می‌رسد. با این حال انتشار مداوم پیام‌در تروت‌شوشال، مصاحبه‌های بی‌دری، اعلام عدم تمدید آتش بس و کمی بعد سبب تمدید آتش بس، همگی لایه‌های در هم تنیده‌ای از تناقض‌گویی را آشکار می‌کنند. تغییر موضع و ابهام در پیام‌ها، فضای تشویش‌افزین در افکار عمومی، به ویژه میان مخاطبان درگیر جنگ علیه ایران، ایجاد کرده است.

در جریان تنش‌های اخیر میان ایران و ائتلاف آمریکا و اسرائیل، این‌الگوی رفتاری بیش از پیش نمایان شد. موضوعی که خود به نمادی از اشتگی در پیام‌رسانی سیاسی تبدیل شده است. فراتر از این مورد، تکرار پیام‌ها، تهدیدآمیز، بعضاً متضاد و فاقد انسجام در طول بحران، به شکل‌گیری نوعی بی‌ثباتی در فضای رسانه‌ای و روانی جامعه دامن زده است.

این مساله تاجایی پیش رفت که واکنشگتن پست به نقل از یک مقام پاکستانی نوشت: «ما پیام‌هایی را به ترامپ منتقل کردیم و به او هشدار دادیم که از لحن تند در ملاء عام استفاده نکنند.» از سویی بلومبرگ، به نقل از یک مقام کاخ سفید گفت که ترامپ معتقد است اظهاراتش «بهاام استراتژیک» ایجاد می‌کند.

در چنین بستری، پرسش اصلی این است که این سیگنال‌های متناقض چه تأثیری بر ادراک عمومی از سیاست و روابط بین‌الملل گذاشته‌اند؟ آیا توانسته‌اند نگرش بخشی از جامعه، از جمله کسانی که پیش‌تر موضوعی مثبت به ادامه یا آغاز جنگ داشتند، را تعدیل یا دگرگون کنند؟ یا برعکس، به تعمیق بی‌اعتمادی و پیچیده‌تر شدن فهم عمومی از مناسبات جهانی انجامیدند؟ و در نهایت هدف ترامپ از این کنش سیاسی چیست؟

صادق زبیا کلام، استاد بازنشسته علوم سیاسی دانشگاه تهران، در مصاحبه با فارو به بررسی جامع این موضوع پرداخته و می‌گوید: «دو مساله وجود دارد که باید آن‌ها را از یکدیگر تفکیک کنیم؛ نخست، شخصیت، رفتار، توبیت‌ها و همچنین اظهارات متناقضی است که ترامپ منتشر و بیان می‌کند. دوم، جنگ ۴۰ روزه‌ای که پیامدوا خسارت‌های گسترده‌ای برای کشور ما به بار آورده است.»

صادق زبیا کلام می‌گوید: «هن نمی‌دانم چه اصراری برای برخی افراد وجود دارد که جنگ ادامه پیدا کند، مذاکره انجام نشود و آتش بس برقرار نباشد. در حال حاضر، برخی افراد به مخالفت با آتش بس و مذاکره روی آورده‌اند. آیا این عزیزان می‌دانند که می‌گردد، راه‌آهن، سیمان، پلاستیک، روغن و برنج چقدر شده است؟ آیا می‌دانند، ۴۰ روز جنگ چه بلایی بر سر اقتصاد ما آورده و چه تعداد از واحدهای تولیدی با مشکل مواجه شده‌اند و نیروی انسانی خود را تعدیل کرده‌اند؟»

مخالفان آتش بس، به آینده فکرمی‌کنند؟

او می‌افزاید: «کسانی که خواستار ادامه جنگ هستند، آیا از مصیبت‌هایی که جنگ بر اقتصاد کشور وارد کرده آگاهی دارند؟ واقعا برای من تعجب‌آور و شگفت‌انگیز است که از یک سو، انقلابیون و تندروهای ما خواهان ادامه جنگ و مخالف آتش بس هستند و از سوی دیگر، سلطنت‌طلبان و بیروان‌رضاپهلوی نیز چنین موضعی دارند و نمی‌خواهند آتش بس برقرار شود. جالب‌تر آن که آقای نتانیاهو و رهبران اسرائیل نیز تمایلی به برقراری آتش بس و پایان جنگ ندارند.» این استاد بازنشسته دانشگاه در ادامه اشاره می‌کند: «بنا بر این سه گروه،